



۲۰۱۵/۱۲/۲۳

م، نعیم بارز

به رغم بی باوری ها، احتمال صلح نسبی بین افغانستان و پاکستان محسوس است!

دولت پاکستان بنا بر خصلت بحران زای آن در طول عمرش نتوانسته به تناسب رشد جمعیتش و در رقابت سالم با دولت هند رشد اقتصادی و اجتماعی هماهنگ داشته باشد، با این وضع در حمایت دولت انگلیس و ایالات متحده آمریکا همواره سعی نموده از طریق نظامی گری و تروریست پروری به حرکت لنگ لنگان و به حیات فلاکت بار خود ادامه دهد. البته یکبار در اثر تجاوز دولت شوروی سابق در افغانستان، شانس به پاکستان یاری کرد که با استفاده از آن فرصت خود را در جامعه جهانی حامی مقاومت مردم افغانستان علیه تجاوز شوروی معرفی نماید و کمک های مالی و تسلیحاتی زیادی را از بخشی از دولت های جهان و بیشتر از همه از جانب ایالات متحده آمریکا بدست آورد و در نتیجه از طریق کمک های همه جانبه و چشم پوشی آمریکا توانست به تولید سلاح اتمی نیز دست یابد.

مگر دولت پاکستان بعد از شکست و خروج قوای شوروی از افغانستان هرچه کوشید، از طریق گروه های دست پرورده اش چه به اصطلاح تنظیم ها و چه طالبان، دولتی را در افغانستان سرهمبندی کند که تحت نفوذش قرار داشته باشد اما موفق نشد. بالاخره سازمان القاعده تحت رهبری اسامه بن لادن که در رژیم طالبان در افغانستان نفوذ یافته و سنگر گرفته بود، واقعه ای تروریستی 11 سپتامبر 2001 را در نیویارک به راه انداخت که اینبار دولت آمریکا و شرکای بین المللی اش ناگزیر به دخالت مستقیم نظامی علیه رژیم طالبان و سازمان القاعده در افغانستان گردیدند، این دفعه باز هم دولت پاکستان با بازی سیاسی دو پهلو یعنی ادعا و اظهار مبارزه با تروریسم ولی در حمایت از تروریسم و مخالفت با عملیات نیروی هوایی آمریکا در آنطرف خط دیورند، توانست هر سال از آمریکا در حدود یک و نیم میلیارد دلار باج دریافت نماید.

دولت ایالات متحده آمریکا که در جریان ده سال تعقیب سیاست های تاکتیکی کجدار و مریز در مبارزه علیه تروریسم نه تنها موفق به شکست تروریسم نشد بلکه در اثر باج دهی به پاکستان و فراهم سازی زمینه پول فراوان به طالبان از درک کشت کوکنار و تبدیل آن به تریاک و انتقال و فروش آن طور قاچاق توسط باند های مافیایی و غیره، بسیار طبعی بود که فعالیت های تروریستی رشد بیشتری نماید.

بالاخره دولت آمریکا متوجه گردید که بیش از این سالانه یکصد و ده میلیارد دلار مصارف کمر شکن جنگ در افغانستان و تلفات جانی سر بازان اش را نمیتواند تحمل کرده و پاسخ قناعت بخشی به افکار عمومی مردم آمریکا ارائه نماید. لذا موقتاً راه حل را در این دید که با بدست آوردن چند پایگاه نظامی و نگاهداشتن ده هزار سرباز در افغانستان و پرداخت شش هفت میلیارد دلار مصارف سالانه مبارزه و جنگ با تروریسم را به دوش مردم و دولت افغانستان بگذارد.

اکنون طوریکه پیداست جنگ های نا عاقبت اندیش و نا فرجام در افغانستان، عراق، لیبی و سوریه منجر به بی ثباتی منطقه و رشد بی سابقه ای تروریسم شده است که پدیده ای بنام داعش با در آمد سرشار حاصل از نفت و باج و خراج، مجهز با لشکر وسیع و سلاح های مدرن همه مردم جهان را به ترس و هراس مرگبار مواجه ساخته است و اخیراً به واقعیت معلوم شد که پس از واقعه 11 سپتامبر بار دیگر جنایات تروریسم از افغانستان و منطقه فرا تر رفته، قتل و زخمی ساختن سه صد انسان مرد و زن و طفل در پاریس و کشتار چهارده نفر و زخمی نمودن بیست و سه نفر در آمریکا از سوی داعش دامنگیر جهان شده است ولی معلوم شده که این پدیده تنها با جنگ های تاکتیکی و

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

به اصطلاح زرگری از بین نخواهد رفت مگر اینکه دولت های قدرتمند جهان با دولت های حامی تروریسم به شکل قاطع برخورد و تصفیه حساب نمایند.

اگر بپذیریم که تنها از طریق جنگ و فشار حل مساله تروریسم و بحران های موجود در جهان میسر نیست و نمی شود بساط تروریسم را در سرتاسر جهان کاملاً برای همیشه برچید، پس برای ریشه کن کردن آن ایجاب می کند تا در سطح ملی و بین المللی مبارزه فعال فرهنگی، اقتصادی، سیاسی همه جانبه و دوام دار صورت گیرد و این در صورتی ممکن خواهد بود که در سیستم تعلیم و تربیت جهان تغییرات کیفی وارد گردد و نهاد های رسانه ای جهان علیه جنگ و خشونت و دفاع از صلح و زندگی همزیستی مسالمت آمیز میان همه مردم جهان نقش برجسته ای در پیش گیرند. از لحاظ اقتصادی یک تعادل نسبی در سطح جهان بعمل آید و از شکاف عمیقی که در حال حاضر شرق و غرب را در برابر هم قرار داده یک تجویز عادلانه و انسانی جستجو، تشخیص و به منصفه اجرا قرار گیرد.

اما در حال موجود و در قدم نخست می باید دولت های حامی تروریسم چون دولت پاکستان از جانب دولت های قدرتمند جهان مورد فشار قرار گیرند که نه تنها از هر نوع حمایت شان از افراد و گروه های تروریستی، دست بردارند بلکه خود نیز در مبارزه برای از بین بردن فعالیت های تروریستی اقدام لازم را به عمل آورند.

در این ارتباط و مساله دخالت بیشرمانه پاکستان در امور افغانستان تا جائیکه دیده و شنیده میشود اکثراً افغان ها از داخل و خارج و بخصوص کسانی که از طریق تلویزیون طلوع ظاهراً به مقصد روشن ساختن اذهان مردم و چگونگی ادامه جنگ و بحران دعوت میشوند آنها همواره از موضع بد بینی یک نواخت و تکراری سخن گفته که جز یاس و نا امیدی چیزی از سخنان شان حاصل نمی شود. مثلاً در ارتباط به کنفرانس سران کشور های قلب آسیا منعقد اسلام آباد، کسانی در تلویزیون طلوع در باره مذاکرات صلح میان افغانستان و پاکستان سخن می گویند که شاه بیت سخن شان اینست: «چون گروه های تروریستی طالبان در فصل زمستان به شدت و وسعت عملیات شان را ادامه داده نمیتوانند به این لحاظ حکومت پاکستان زمینه مذاکره صلح را با افغانستان پیش کشیده است تا دولت افغانستان را در خوش خیالی غافل نگاهداشته و در فصل بهار با امکانات وسیع تر و تدارکات بیشتر حملات همه جانبه شان را از سر گیرند»

کنفرانس قلب آسیا، فرصتی برای اعتماد سازی



اینگونه استدلال ها و تفسیر پردازی های سیاسی ناشی از همان شیوه دنباله رویی و دگماتیسم بوده که در میان بسی به اصطلاح روشنفکران افغان دستکم از سال های 1344 بدین سو بیک نوع عادت مبدل شده، تا جائیکه تحولات در کشور، منطقه و جهان هم نتوانسته باعث تغییر روش آنها شود. چنانکه بسی به اصطلاح مفسرین سیاسی با گفتن

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

اینکه «بارها نیت دولت پاکستان از سوی دولت افغانستان آزموده شده و نتیجه مثبت در بر نداشته، بناءً به زعم آنها تکرار مذاکره در جهت صلح بیهوده است»

وقتی پرسیده میشود که پس راه حل چیست؟ جواب شان معمولاً اینست که به مردم باید تکیه کرد و مردم را در جهت دفاع از وطن متحد و بسیج ساخت. ولی نمیگویند چگونه؟ شاید منظور شان از متحد ساختن مردم، دولت ملت سازی به گونه دولت ملت های کشور های صنعتی تکامل یافته باشد که رسیدن افغانستان از امروز تا رسیدن به آن موقعیت ده ها سال را در بر خواهد گرفت که هویت های قومی و قبیله وی جامعه ما به صورت فردی در آید و به مفهومی امروزی آن به یک دولت تکامل یافته تبدیل شود ولی آیا تا آنوقت مردم غرق در فقر و در زیر تیغ و آتش تروریزم تن دهند؟ البته این حالت برای قدرتمندان و ثروت اندوزان که در مصونیت بسر می برند و از حاصل جنگ و بحران از هیچ به همه چیز و صاحب میلیون ها دالر و بلند منزل ها و شهرک ها شده اند نعمت بار است، مگر سوال اساسی همین است که اوضاع فلاکتبار مردم تا چه وقت بهمین منوال ادامه یابد؟ آخر صبر اکثریت مردم هم اندازه ای دارد.

همچنان گفته می شود که بیش از بیست بار نیت پاکستان در جهت صلح آزموده شده و معلوم شده است که دولت پاکستان تا به اهداف استراتژیک خود در افغانستان دست نیابد و مساله خط دیورند حل نشود پاکستان حاضر به صلح نخواهد شد. این نوع موضعگیری های یک جانبه بدون کدام راه حل منطقی و عملی، نهایت خسته کن شده است زیرا این نوع بحث ها بجای روشنگری، هرچه بیشتر به تاریکی بردن مردم است. سیاست صحیح این خواهد بود که اگر صد بار مذاکره به نتیجه نرسد نباید در، مذاکره را بروی خود بست و نباید حقانیت و منطق خود را زیر سوال قرار داد.

اگر واقع بینانه به مسایل نگاه کنیم بعد از رویداد تروریستی پاریس، در موضع گیری های دولت های قدرتمند جهان یک مقدار تغییرات جدی در مبارزه علیه تروریزم رونما گردیده است و تحت فشار های از داخل و خارج برای ادامه سیاست های دو پهلوی دولت پاکستان هم دیگر جای باقی نمانده است. گروه طالبان نیز دیگر وحدت سابق خود را از دست داده و از هم پاشیده و به دسته های کوچک در جنگ با دولت و هم با جنگ و جدال میان خود قرار گرفته اند و برای اولین بار است دیده میشود که با گذشت سال ها، مقام داران سیاسی حکومت هند و پاکستان در کنفرانس کشورهای قلب آسیا دور یک میز با هم می نشینند و باهم به مذاکره می پردازند.

همچنان بعد از پانزده سال سعی و تلاش سر انجام دولت افغانستان، پاکستان، هندوستان و ترکمنستان پروژه **tapi** را در ترکمنستان به امضا رساندند که از طریق خط پایپ لین صدور گاز از ترکمنستان با عبور از خاک افغانستان، پاکستان به هند میرسد. پس بی تردید این پروژه بزرگ بر روابط اقتصادی سیاسی چهار کشور مذکور و حتی در منطقه دگرگونی های عمیقی را در پی خواهد داشت.



د پانیو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

بنابر آنچه تا اینجا گفته شد احتمالاً پاکستان تحت فشار اقتصادی و کمبود انرژی و تهدید تروریسم از داخل و فشار های از خارج، دریافت خواهد بود که افغانستان مسکه و پنییر نیست که آنرا نرم و آسان به کام خود فرو برد، بلکه همانگونه که روسیه با خیال خام نتوانست آنرا به کام خود ببلعد، بالعکس از هم پاشید، پاکستان نیز بدتر از آن، چنان از هم خواهد پاشید که به هیچ وجه دیگر نتواند خود را جمع و جور نماید.

خلاصه هر جنگی را روزی پایانی فرا می رسد و جنگی را که دولت پاکستان علیه مردم افغانستان به راه انداخته است استثنایی نیست، تجارب تاریخی میرساند که تداوم و سرنوشت دولت ها نیازمند به الگو های انسانی است و ساختن جامعه و تداوم نظام سیاسی قطعاً و جبراً نیازمند مصلحت، کنار آمدن، مذاکره و مسامحه کردن و حقوق بین الدول و میثاق های جهانی را محترم شمردن و با دوستان و دشمنان روابط سیاسی برقرار کردن و حتی جبراً بعضی معاهدات بین المللی را پذیرفتن ولو خلاف خواستهای دینی مذهبی و ایدئولوژیکی باشد، این اقتضا و لازمه فلسفه و جودی دولت ها در جهان امروز است.

پایان

د پانیو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ